

نگاهی به سختگیری های پیش از ازدواج

به هر قیمتی «بله» نگویند

مریم خباز

وقتی می خواهی ازدواج کنی آنقدر حس خوبی داری که برای خودت دنیای رنگارنگ و قشنگی را می سازی. در این دنیا تو یک شریک داری که فکر می کنی حتی نفس کشیدن هایت را هم باید با او تقسیم کنی. البته این رویای همه آدم ها نیست چون خیلی ها هستند که به این چیزها فکر نمی کنند، ولی آنها که این رویا را دارند آنقدر از آن لذت می برند که دوست دارند به هر قیمتی آن را به دست بیاورند.

در ایران رسم است که دختر بله نهایی را بگوید اما انگار این فقط ظاهر ماجراست چون برای بله گفتن افراد زیادی از پشت پرده داستان را هدایت می کنند. پس برای داشتن زندگی زیبا ابتدا باید از هفت خوان خانواده گذشت چون پیش از عروس این اعضای خانواده هستند که حرف اول و آخر را می زنند. البته این مساله شامل حال آن دسته از دخترخانم هایی که حرفشان را به هر قیمتی به کرسی می نشاندند، نمی شود ولی آنان که گوش به فرمان خانواده هستند، بی شک این جملات را تایید می کنند. برای این جور دخترها روز بله برون روز سرنوشت سازی

خود تمام کنند. در این رقابت البته خانواده دختر نیز دست بردار نیستند و بسختی بر خواسته های خود پافشاری می کنند. در این لحظه است که بیشتر حضار از کوره در می روند چون معمولاً خانواده دختر و پسر با هم به تفاهم نمی رسند.

در این میان برخی از دخترها هستند که به خاطر به درازا کشیدن مراسم یا به خاطر تمام شدن غائله از موضع خود پایین می آیند و داغ مهریه بالا را بر دل خانواده خود می گذارند. اما هستند کسانی که آرزوی داشتن مهریه ای رویایی را با هیچ چیز عوض نمی کنند و همچنان بر موضع خود پافشاری می کنند. در این هنگام است که اگر خانواده داماد از اقشار متوسط جامعه باشند، عنان از کف می دهند و مبلغ بالای مهریه را تاب نمی آورند.

اما کلید حل مشکل باز هم به دست دختر است چون اگر او بخواهد می تواند هم خانواده خود و هم خانواده پسر را راضی نگه دارد.

شیربها کی از مد می افتد

اما امان از شیربها، معلوم نیست این رسم بالاخره کی از مد می افتد. البته برخی از خانواده های ایرانی این مبلغ را

تلاطم زندگی هدایت می کند. این همان مفهومی است که اسلام نیز به آن اشاره دارد.

مهر که به آن صداق هم می گویند، عطیه و پیشکشی است که مرد در قبال ازدواج به زن خود می دهد و پرداخت آن باید توأم با رضایت، صداقت و صفا باشد. چنان که قرآن کریم نیز به مردان امر می کند که صداق زنان خود را با رغبت و رضایت بپردازند. از آنجایی که هدیه مرد نشانه راستی علاقه و رضایت اوست، به آن صداق هم می گویند و نکته قابل توجه دیگر در تعریف مهر این است که برخی آن را هدیه خداوند به زنان نیز می دانند.

فلسفه مهریه در اسلام

هر چند فلسفه اصلی مهریه ابزار محبت و افزایش عشق همسری است، اما اینک در جامعه به ابزار فخرفروشی و خودبرتربینی تبدیل شده است. درباره فلسفه و جایگاه مهریه در اسلام باید گفت که وجود مهریه موجب می شود که مرد، زن را دارای ارزش بیشتری دانسته و شخصیت حقوقی او را در اسلام بداند؛ همچنین زن احساس می کند که به طور رایگان و بدون



مرد وارد نشود... البته اگر دلیل افزایش مهریه را نوعی وثیقه مالی مرد برای زن و وسیله اطمینان فکری او در برابر خطرات احتمالی و مشکلاتی که مرد برایش فراهم می آورد بدانیم، نظریه درستی نیست.

در این میان همان طور که کم بودن مهریه در احادیث نشانه برکت و خوش یمنی قدوم زن به خانه مرد شناخته شده است و باعث بالا رفتن فضیلت و ارزش معنوی او می شود، سنگینی مهریه هم مورد نکوهش قرار گرفته و در روایات از آن به عنوان بدیمنی و شومی زن نام برده شده است. اما متأسفانه، این روزها شاهد افزایش بی رویه مهریه هستیم. بعضی از افراد، اموری مانند مهریه های سنگین، جهیزیه های بالا و تجمعات زندگی را مایه تفاخر و خودبرتربینی قرار داده اند و تصور می کنند این امر باعث تداوم استحکام زندگی می شود. در حالی که شرع و عرف، تقوا و پاکدامنی را عامل برتری و بزرگی می شمارد.

مهریه های سنگین نه تنها باعث تداوم زندگی نشده است بلکه شاهد افزایش آمار طلاق هستیم و از سوی دیگر مهریه های بالا باعث بالا رفتن سن ازدواج شده است.

امروزه به هنگام مشخص کردن اندازه مهریه با جمله «مهریه را که داده و که گرفته!!!» تلاش می کنند آن را امری تشریفاتی نشان دهند. در حالی که پرداخت مهریه زن وظیفه مرد است و زن حق دارد آن را طلب کند. حتی قانون مدنی ما هم این اجازه را به زن داده است که قبل از دریافت مهریه در برابر مرد تمکین نکند.

اما این که زنان جامعه ما از دریافت مهریه خودداری می کنند، به علت علاقه ای است که نسبت به شوهر و زندگی خود دارند و آن را عاملی برای تحکیم بیشتر عشق شان می دانند که البته این نگرش مثبت زن هیچ گاه برای مردان دلیل نمی شود که خود را بدهکار بدانند.

هر چند هنگام طلاق و جدایی، پرداخت مهریه به زن موجب آسایش نسبی در اداره امور زندگی می شود، ولی نکته حائز اهمیت این است که اصل مهریه برای قبل از طلاق است و فلسفه واقعی آن این است که همان زمانی که زن در کنار همسرش زندگی می کند مهریه به نشانه صداقت و درستی علاقه مرد به او تقدیم شود.

پولدارها ارجح نیستند

نکته دیگر این که مهریه زنان بیانگر جایگاه اجتماعی زنان نیست تا بگویم دختران تحصیل کرده و ثروتمند باید مهریه بیشتری دریافت کنند. اساساً اگر دختران متمکن و تحصیل کرده حاضر شوند که با مهریه کمتر به خانه مرد قدم بگذارند، همین امر موجب بالا رفتن وجهه اجتماعی و احترام آنها می شود و نشانگر بالا بودن میزان فهم و درک آنان است. در غیر این صورت می توان گفت که زن می خواهد مدرک تحصیلی خود را با مبلغ یا ملکی به نام مهریه به شوهرش بفروشد یا در برابر او و مردم فخرفروشی کند و این امر با اصل و هدف ازدواج مغایرت دارد؛ سعادت و قربی که باید در پناه یک زندگی آرام و با سکونت و آرامش او در کنار یک زن فهمیده و خدانشناس تحقق یابد، نه در زندگی ای که معیار ارزش آن، مادیات و امور دروغین و غیرواقعی باشد.

حرف آخر

و اما حرف آخر، لطفاً دختر و پسر ها عاقل باشند و به چیزهای زودگذر اهمیت ندهند. در ضمن لازم است دخترها بدانند که از مهریه مهم تر شروط ضمن عقد است؛ چرا که به جای مهری که بیشتر پسرها توان پرداخت آن را ندارند، این شروط می تواند راهگشای زندگی باشد. این شرط ها البته طیف گسترده ای از اجازه ادامه تحصیل تا حق کار و مسافرت را در بر می گیرد. برای همین است که ما معتقدیم دخترخانم ها نباید به هر قیمتی بله بگویند.

هیچ قید و شرطی در اختیار مرد قرار نگرفته، بلکه تمکین او در برابر مرد، بر پایه قوانین محکم و احکام خاصی است که موجب اعاده حقوق اصلی او می شود. همچنین در فلسفه مهر آمده است که چون زن به خاطر جسم ظریف و روح حساسش نمی تواند مانند مرد در فعالیت های اجتماعی سنگین تر شرکت کند و به همین علت کمتر به کسب و تجارت مشغول است، مهر می تواند پشتوانه اقتصادی مناسبی برای او باشد.

البته باید توجه داشت که ازدیاد علاقه، جواز افزایش مقدار مهریه نیست، زیرا همان طور که تعیین مهریه ارزشمند است زیادی بیش از حد آن نکوهش شده است. هر چند مهریه خیلی کم نیز نهی و توصیه شده است در حدی نباشد که اعتبار و حیثیت زن را پایین آورد.

مهر معقول، علاقه زیاد

در اسلام سفارش شده است که باید مهریه زنان به گونه ای باشد که مرد بتواند با طیب خاطر و رضایت قلبی آن را بپردازد و هیچ گونه فشار مالی یا روحی بر

که در اصل به مادر عروس اختصاص دارد با ترفندی نه چندان تازه به خرید چند کالا از سوی پسر تبدیل کرده اند که این نیز خود از دلواپسی های خانواده داماد است. در این شیوه، خانواده عروس تهیه ۳ یا ۴ کالای اساسی زندگی را به عهده پسر می گذارند تا هم شیربهای دریافتی را در بهترین راه خرج کرده باشند و هم کمی از بار خرید جهیزیه را بر دوش پسر بگذارند. البته اگر ۲ خانواده هم فرهنگ با هم وصلت کنند مشکلی به وجود نمی آید، اما کدورت ها آن زمان شروع می شود که ۲ خانواده از دو سوی ایران با هم قصد فامیل شدن داشته باشند.

مهریه: نشانی از مهر

حالا با تمام این کشمکش ها، ۲ فامیل با هم وصلت کرده اند، اما آن چیزی که باقی است خاطرات این وصلت است. دور نیستند کسانی که هنوز بعد از چند دهه زندگی، یاد خاطرات گذشته می افتند و با یک آه کشیدن از آن روزها یاد می کنند.

اما واقعیت این است که مهریه نشانی از مهر مرد به زن است و همین مهر و عاطفه است که زن و مرد را در

است چون تصمیم جمعی خانواده باید به کرسی بنشیند. داستان با آمدن خانواده داماد به خانه دختر شروع می شود و طبق رسم این قبیل مراسم ساعات اولیه جلسه با بررسی وضع هوا و خاطرات گذشته همراه می شود. در این لحظات است که دل در دل دختر و پسر نیست چون آنها دوست دارند هر چه زودتر بزرگ ترها سر اصل مطلب بروند. اما بالاخره پس از انتظاری طولانی بزرگ ترها سر اصل مطلب می روند و این اصل مطلب بحث بر سر مهریه است.

داستان چانه زدن بر سر مهریه از آن داستان هایی است که کمتر کسی با آن ناآشناست. در مراسم بله برون بحث بر سر تعیین میزان مهریه آنقدر بالا می گیرد که گاه ساعت ها زمان هدر رفته و بیشتر وقت ها انبوهی از کدورت بر جامی ماند.

چانه بی چانه

بحث بر سر مهریه که داغ می شود مثل این که همه به وجد آمده باشند، از هر سو نظری ارائه می شود و این خانواده داماد است تا در رقابتی سخت معامله را به سود